

بقلم : آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

## سیر حکمت و عرفان در ایران باستان

-۲۱-

میرزا آقا خان کرمانی درباره مذهب و آیین و کیش و دین ایران چنین اظهار عقیده نمود «خطابه ششم» نخست مختصری از پیدایش کیش عرض میشود :

انسان طبعاً طوری سرشته شده که از هر چه میترسد نزد آن خاضع و خاشع و فروتن و بانواع مختلفه از برای آن نیاز و ستایش و التماس و نیایش میکند . «قوله تعالی خلق الانسان ضعيفاً» .

در زمان وحشیگری که آفتاب علم و روز دانائی از افق تمدن طالع نشده بود ، افراد انسان از هر چیز ترسناک و هول انگیز میترسید !! برخویش میلرزید ! علت و جهت پیدایش آن چیز برایشان مکشوف نبود ؟ ! بوزش و ستایش و تضرع نزد آنان می نمود ! مانند صاعقه های عظیم ، زلزله های سخت ، گرد و بادهای تند ، طوفانهای شدید ، گرفتن ماه و آفتاب !! آتش های ناگهانی که در درختها یا در کوههای آتش فشان بروز میکرد و امثال اینها !!

چنانچه الان هم طبیعی انسان بلکه حیوان این است . که در هر جا از هر چیز می ترسد !

دفع و علاج آن را نمیدانست ! یا نمیتوانست ؟ ! برای آن خاضع و خاشع شده چاره اش را در زاری و التماس و نیایش و نیاز دانسته ، شروع با برآز عجز و لابه می نماید !

از این جهت است که هر ملامت در زمان توحش خویش هر چیز مدحش و ترسناک را

بواسطه ندانستن باعث و علت آنها را بزرگ نموده‌اند! آنان را نیایش و ستایش و تعظیم و تکریم میکرده‌اند!

مانند طفل خرد سال نادان که از هر چیزیکه میترسد بگریه و لابه و زاری می‌آید! ملت ایران هم در زمان نادانی و وحشیگری خویش چیزهای مهیب را دیو می‌نامید! آنان را نیازمینمود، او را دیو میگویند و اسم خدا میخوانند.

مجملاً دیو را پرستش میکرد! خورده خورده این ریشه در ملت ایران درختی بزرگ گردید، از هر چیز خورد یا کلانی که واهمه مینمود غمگین میشد، میترسید برای آن ستایش مخصوص و نیاز و عجزی بخصوص مقرر داشته!

مانند بخاك افتادن که سجده باشد! فرود آوردن که رکوع باشد! دست به عجز برداشتن که دعا و قنوت عبارت از آن میباشد! تملق گفتن و اظهار لابه و زاری نمودن که مناجات است! کشتن گاو و کوسفند که قربانی کردن و فدائی دادن يك نوع نوازش است!

چنانکه از برای مہمان گرامی نیز حالا هم در بعضی ملل قربانی مینمایند!  
بذل مال که زکوة است! پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سایر انواع و اقسام پرستشها و نیازها که بصور و اشکال مختلفه در هر عصر و ملت برسم عبادت شده اینها همه تملق و عجز و لابه است! حتی روزه گرفتن که اسباب جلب رحم شخص ظالم و ستمگراست!

از این جهت بود که هر ملت در زمان وحشیگری خویش عبادات مخصوص برای چیزهای ترسناک و هول‌انگیز داشت!

چنانچه الان هم در وقت گرفتن آفتاب هندیان غسل میکنند! مسلمانان نماز میگذارند! آفتاب پرستان ساز مینوازند!

اندک اندک چنانچه برای هر قوم و ملت بزرگ و رئیس دیده‌اند، از برای این

دیوان هم ایرانیان باستان بزرگ ورثیسی تصور نمودند ! تمام اینان و لشکرا و در تحت اقتدار و فرمان او بودند و اینان را بزرگ و مهادیو یعنی دیو بزرگ نام گذاردند ! در سختی‌ها و شداید و بدبختیها بآن بزرگ پناه میبردند و او را ستایش مینمودند . مهادیو را عربها و اقوام بیگانه مخادیو میگفتند ! کم کم چنانکه رسم و شیوه زبان است مخادیو تخفیف یافته «خدیو» شد که در مضر متداول بود خداوند کار و خداوند کار محرف خدیوند کار است !

که خوکار روم شده ! این اسم مانند لفظ قروش در مرتبه دوم که بایران بازگشت کرد خدا گردید. که الان هم اسم «جلاله» میدانند !

خلاصه وقتی که این درخت اعتقاد بدیوان و مهادیو در ایران ریشه داد و بارور گردید هر شروخیری ترسناک و هول انگیز را از مهادیو دانستند !

برای عیشها و سرور و خوشی‌ها نیز مبدء و باغی دیگر و جدا توهم نموده که آنان را همواره با دیوان در جنگ و ستیزه و کشمکش و میدانستند ! این قوم را پر هسته نامیدند که در جاهای با نزهت و صفا و در دهات با لطافت و خوش هوا و کوه‌های سبز و خرم و جنگلهای انبوه و لطیف دور هم و چشمه سارهای پر از چمن و گلستان‌های پر لاله منزل و مسکن دارند !

باین مناسبت آنان را بمرغان خوش الحان که در این قسم مکانهای دلفزا آشیان میگیرند تشبیه کردند !

از این رو آنان را برشته و فرشته گفتند ! برای ایرانیان نیز نیایش‌های مخصوص و ستایش‌های بخصوص قراردادند چنانکه الان در میان مجوس ایران از برای پریان جشنها و مهمانیها و قربانیهای مخصوص دارند .

در مقام استدلال بآثار عتیقه و آنتیک‌های قدیمه ایران بر مدنیّت آنان و وضع اساس زندگی ایرانیان استدلال میشود و برهان می‌آورند اینک در مقام عقاید قدیم

ایران نیز از اعتقادات آتیک ایشان استدلال کرده و برهان می‌آوریم همان جور که از لفظ مهادیو که الان در ایران و فرنگستان مشهور است، خدا برای شما توضیح و تشریح کردید همان جور از آثار عقاید قدیمه نیز میتوان کیفیت اعتقادات قدیم ایران را تشریح نمود،

از این رو شرح ضیافت و مهمانی دختر شاه بریان را که الان معمول به و متداول میان مجوس یزد و کرمان است مانند آثار کهنه تخت جمشید که از علایم و دلایل سلطنت و حرمت و صنعت و مذهب قدیم ایران است آثار عقاید ملت ایران را میتوان فهمید (۱).

۱- نویسندگانی که بارها نوشته‌اند صد مقاله یا صد خطابه از میرزا آقاخان کرمانی نیست! از میرزا فتحعلی آخوند زاده است شاید در اشتباه باشند ۱۴ میرزا آقاخان کرمانی ماجرای زردشتیان کرمان، صحنه بابی‌کشی را در تهران بروش زیبا و دل‌پسندی ترسیم کرد که خود نویسنده هنرمند آن شاهد ماجراهای آنها بوده است، سبک نگارش صد خطابه با نگارش کتاب آیینة اسکندری و روش نوشته هفتاد و دو ملت یکی است براساسی میرزا آقاخان کرمانی ناکام بود و شهید شد ولی آثار او زنده است.

جوانا ره طاعت امروز گیر  
مطالعات فرنگی

بیتال که فردا نیاید جوانی ز پیر

فراغ دلت هست و نیروی تن

چومیدان بدست است گوئی بزَن

من آروز را قدر نشناختم

بدانستم اکنون که در باختم

(سعدی)